

سخن سردبیر

بسیار خرسندیم که شماره سوم فصل نامه علمی- پژوهشی "جامعه و محیط زیست" در حالی منتشر می شود که در نتیجه تلاش ارکان مجله و مشارکت علمی فرهیختگان و اندیشمندان، این فصل نامه، رسماً و مطابق اعلام نظر کمیسیون ارزیابی نشریات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به سطح مجله علمی پژوهشی با رتبه "ب" ارتقاء یافته است. امیدوارم با ادامه مشارکت اندیشمندان، صاحب نظران و پژوهش گر، به زودی شاهد ارتقای این فصل نامه به رتبه الف باشیم. همچنان معتقدیم که تقاضا برای انتشار مستمر و به هنگام این فصل نامه، نشان دهنده وجود خلاء اساسی در بحث ارتباط جامعه و محیط زیست در سطح جامعه و دانشگاه است که این مهم با مشارکت نویسندگان محترم میسر شده و مورد استقبال علاقه مندان قرار گرفته است.

در شماره جاری فصل نامه "جامعه و محیط زیست"، همانند شماره های پیشین، شش مقاله علمی پژوهشی با رویکرد اجتماعی درج شده است.

مقاله اول با عنوان "منطق اقناع در مناقشات محیط زیستی؛ تحلیل شاکله های استدلال ورزی در نبرد گفتمانی سد چمشیر"، می باشد. آن طور که نویسندگان مقاله مطرح کردند تحقیق حاضر به بررسی مناقشات عمومی پیرامون پروژه های بزرگ توسعه ای مانند سدسازی که در آن طرفین مختلف با به کارگیری استراتژی های اقناعی و بلاغی، برای جلب نظر افکار عمومی و مشروعیت بخشی به مواضع خود تلاش می کنند؛ پرداخته است نویسندگان مدعی شدند که هر دو گفتمان به طور گسترده از شاکله های مشابهی، اما با محتوا و جهت گیری کاملاً متضاد استفاده می کنند. «استدلال مبتنی بر نظر کارشناس» به یک «نبرد بر سر اعتبار علمی» (علم رسمی در برابر علم مستقل) تبدیل شده و «استدلال مبتنی بر پیامد» آینده های متعارضی را ترسیم می کند (امید و توسعه در برابر ترس و فاجعه).

دومین مقاله در فصل نامه حاضر با عنوان "بازنمایی تعامل انسان با محیط زیست در برنامه درسی دوره متوسطه اول (مورد مطالعه: مطالعات اجتماعی)" می باشد. در این تحقیق محققان به چگونگی آگاهی بخشی جامعه در ارتباط با تعامل با محیط زیست به عنوان یک حوزه اساسی در فرآیند آموزش و پژوهش پرداخته اند. یافته های آن ها نشان می دهد عمده مباحث کتاب های درسی به صورت توصیفی بوده و نگاه نقادانه به تعامل انسان و محیط زیست کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در حالیکه درک و کنش فعالانه در ارتباط با محیط زیست نیازمند مواجهه فعال تر برنامه درسی و آموزشی است.

عنوان **مقاله سوم** عبارت است از "الگوی سبک زندگی جوانان ورزشکار و ارزش های محیط زیستی". نتایج این مطالعه نشان داد که بین الگوی سبک زندگی و کلیه ابعاد شش گانه آن با ارزش های محیط زیستی رابطه مثبت و معنی

داری وجود دارد. همچنین الگوی سبک زندگی جوانان ورزشکار قوی ترین رابطه را با ارزش های محیط زیستی زیست بوم محور و ضعیف ترین رابطه را با ارزش های محیط زیستی خدمات محور دارد و ارزش های محیط زیستی انسان محور در حد متوسط قرار گرفته است.

عنوان مقاله چهارم "میزان سرمایه فرهنگی دختران در خانواده و تأثیر آن بر رفتار محیط زیستی آنان" می باشد. که هدف آن بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی دختران در خانواده، بر رفتار محیط زیستی آنان است. نتایج این پژوهش نشان داد که ۵۵,۲٪ در مصرف آب صرفه جویی نمی کنند. ۵۲,۳٪ حداقل صرفه جویی را در مصرف برق نشان می دهند.

۴۹,۷٪ تلاش کمی برای کاهش تولید زباله می کنند. ۴۲,۲٪ هنگام خرید پلاستیک اضافی می گیرند. ۱۱٪ اصلاً سعی در کاهش تولید زباله ندارند. در مورد سرمایه فرهنگی خانواده هم، ۲۹,۲٪ از پاسخ گویان در یک سال گذشته با خانواده های خود به ساحل دریا نرفته اند و ۲۴,۳٪ در سفرهای کوتاه دو یا سه روزه شرکت نکرده اند. ۴۱,۹٪ می گویند پدرانشان آن ها را اصلاً یا به ندرت درک می کنند، ۳۱,۲٪ احساسات مشابهی را با مادران خود دارند.

مقاله پنجم با عنوان "تحلیل و شناسایی تعارض باغ داران باغستان قزوین و گونه سنجاب ایرانی" می باشد. در این مقاله، نویسندگان دریافته اند که بیشترین محصولات زیرکشت باغ های مورد مطالعه مربوط به درختان پسته و بادام می باشد که به ترتیب ۸۹/۳ و ۸۶ درصد را شامل می شود و طبق نتایج به دست آمده سنجاب ها به این دو محصول بیشترین خسارت را وارد می کنند. ۹۶/۷ درصد از باغ داران اظهار داشتند که قبل از رسیدن کامل محصول، سنجاب ها پسته و بادام نارس را از بین می برند. به دلیل خسارت قابل ملاحظه ای (۲۲۰ میلیون تومان در سال به طور میانگین برای هر باغ در سال ۱۴۰۲) که سنجاب ها به باغستان سنتی قزوین وارد می کنند، عموماً برای حذف فیزیکی آن ها از طریق سگ نگهبان و یا شکار مستقیم اقدام می شود.

مقاله آخر این شماره ی فصل نامه جامعه محیط زیست با عنوان "بررسی عوامل بحران محیط زیستی و ارائه راه حل ها برای توسعه پایدار" می باشد. در این مقاله، نویسندگان ادعا دارند که ریشه های بحران محیط زیستی شامل سلطه عقل گرایی ابزاری، انسان محوری افراطی، غفلت از جایگاه معنوی انسان، اومانیزم مدرن و بی توجهی به معرفت قدسی نسبت به طبیعت است. در مقابل، دیدگاه های معنوی نصر بر بازاندیشی جایگاه انسان به عنوان خلیفه الله، بازگشت به تعالیم دینی، التزام به اخلاق زیست محیطی و نگاه قدسی به طبیعت تأکید دارد که می توانند به تعادل مجدد میان انسان و طبیعت کمک کنند. درواقع این دیدگاه ها نه تنها به عنوان راه حل هایی اخلاقی، بلکه به مثابه چارچوبی نظری برای بازتعریف توسعه پایدار از منظر جامع، اجتماعی و معنوی قابل بهره برداری اند.

امید است مقالات این شماره نیز مورد توجه صاحب نظران، اندیشمندان، پژوهشگران و همه علاقه مندان به مطالعات اجتماعی محیط زیست قرار گیرد و کاربرست نتایج و یافته های محققان، نقش موثری در جلوگیری از بروز مشکلات محیط زیست و یا کاهش و حل معضلات موجود محیط زیستی ایفاء نماید.

صادق صالحی

استاد جامعه شناسی محیط زیست